

دائرة المعارف حقوق

دانشنامه حقوقی

شامل

قوانین و مقررات آئین دادرسی مدنی و ادله
اثبات دعوی و امور حسبی و ثبت املاک و اسناد
و ثبت شرکت‌ها و علائم و اختراعات و ثبت
احوال و آراء هیئت عمومی تمیز و محاکم عالی

با مقدمه‌ای راجع به

تاریخچه سازمان قضائی در حقوق اسلامی

جلد اول

حرف (الف)

تألیف

دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی

فهرست عمومی

۴۵ ابلاغ
۶۷ اجراء احکام
۲۰۸ اجراء اسناد رسمی
۳۰۹ احضار
۳۱۲ احوال شخصیه ایرانیان غیرشيعه
۳۱۶ اخلاق حسنه
۳۱۸ استرداد دعوی (رک. دعوی)
۳۱۸ استصحاب
۳۸۰ اصل اباحه
۳۸۳ اصل صحت
۴۲۳ اظهارنامه
۴۲۶ اعاده دادرسی
۴۳۵ اعتراض به ثبت (املاک)
۴۶۰ اعتراض به ثبت علامت و اختراعات
۴۷۱ اعتراض به حکم غیابی
۴۸۰ اعتراض ثالث
۴۹۹ اعتراض شخص ثالث (رک. اعتراض ثالث)
۵۰۰ اعسار
۵۳۴ افراز (رک: درخواست افراز)
۵۳۵ اقامتگاه

۵۴۳ اقرار
۶۵۵ امارات
۷۳۷ امضاء
۷۴۸ امور حسبی
۷۶۱ امور راجع به ترکه
۷۸۲ امین
۷۹۵ اناطه
۸۰۰ انبارهای عمومی
۸۰۶ انجمن ده
۸۰۹ انحصار وراثت (ر.ک. دعوی حصر وراثت)
۸۰۹ انکار
۸۲۰ ایرادات

فهرست مقدمه

اهمیت قضاء

۱۲ قاضی عادل کسی است که عدل او بر جور او غالب باشد

شرایط تصدی قضاء

۱۳ نظر حنیفه راجع به قضاء زن
۱۴ قضاء غیر عادل
۱۵ قاضی انتخابی
۱۶ سن قاضی

صفات قاضی

۱۷ توهین به قاضی
۱۷ تجارت قاضی
۱۸ خرید مایحتاج شخصاً نکند
۱۸ مشاوره با فقهاء در دادن رأی
۱۸ دعوت قاضی - دعوت از قاضی
۱۹ دربان محکمه
۱۹ تساوی اصحاب دعوی در محل جلوس
۱۹ احترام به گواهان
۱۹ تلقین دلیل - تحصیل دلیل
۱۹ پوشیدن بهترین لباس موقع محاکمه
۱۹ ایستادن اصحاب دعوی موقع محاکمه

۱۹	جلواز (مأمور نظم دادگاه)
۲۰	مدت محاکمه نباید طولانی باشد
۲۰	تعیین روز و ساعت محاکمه با دادرس است
۲۰	تعیین نوبه رسیدگی
۲۱	رسیدگی های خارج از نوبت
۲۱	مطالعات علمی قاضی

تشریفات نصب قاضی

۲۲	ابلاغ یا عهد
۲۲	ولایت قاضی
۲۲	قرائت ابلاغ بر مردم محل مأموریت
۲۲	دیوان الحکم (بایگانی دادگاه)

کارمندان محکمه

۲۲	خلیفه قاضی
۲۳	امین قاضی - وکیل قاضی
۲۳	جلواز
۲۳	کارشناس
۲۳	معدلین
۲۴	منشی دادگاه
۲۴	مترجمین
۲۴	رجاله
۲۵	وکلاء دعاوی

حقوق قضات

۲۵	اوراق قضائی و بایگانی محکمه
۲۵	الف - سجلات

۲۶	فرم سجلات
۲۶	ب - محضر
۲۷	فرم محضر
۲۸	ترتیب نوشتن صورت جلسات دادگاه
۲۸	بایگانی
۲۸	خریطة قاضی
۲۸	ج - دستور اجراء احکام
۲۹	د - مفاسد
۲۹	هـ - بایگانی (دیوان الحکم)
۲۹	صک
۳۰	و - کتاب القاضی (نامه قاضی)
۳۱	شرایط اعتبار کتاب قاضی
۳۱	وکیل تسخیری
۳۱	فرم کتاب قاضی
۳۲	مقایسه کتاب القاضی با تأمین دلیل
۳۳	موضوع نامه قاضی
۳۴	دعوی بر غائب
۳۴	مساوات در برابر دادگاهها
۳۵	محاكم اختصاصی
۳۵	نقباء
۳۵	تعارض بین صلاحیت دادگاههای عمومی و اختصاصی
۳۵	دادگاه عشائر
۳۶	صلاحیت
۳۶	نصاب و تأثیر آن در صلاحیت
۳۷	تأثیر عرف و عادت

۳۷	امور حسبی
۳۷	روش تعدد قاضی
۳۷	شروع به کار
۳۷	تحویل و تحول بایگانی دادگاه
۳۸	رسیدگی به امور زندانیان
۳۸	رسیدگی به امور اوصیاء
۳۸	رسیدگی به کار کارمندان دادگاه
۳۸	رسیدگی
۳۸	الف - خوانده حاضر
۳۸	ب - خوانده غائب
۳۹	ج - خوانده زن
۳۹	ترتیب احضار و جلب به دادگاه
۳۹	ورود به منازل
۳۹	وکیل تسخیری
۴۰	منابع حقوق
۴۰	استمهال برای آوردن دلیل
۴۰	زبان رسمی در دادگاهها
۴۰	هزینه دادرسی
۴۱	مسئولیت قضات
۴۱	زندان و زندانیان

فهرست «ابلاغ»

شماره‌ها راجع به مطالب است نه صفحات

۳۱ تا ۱	اقسام ابلاغ:
۲-۱	ابلاغ واقعی
۵-۴-۳	ابلاغ قانونی
۸-۷-۶	خواص ابلاغ واقعی
۱۰	ابلاغ به شرکت
۱۱	ابلاغ در دعوی راجع به ورشکسته
۱۳-۱۲	ابلاغ در صورت غیرمحصور بودن خوانده
۱۴	ابلاغ به ادارات رسمی و بنگاه‌های عمومی
۱۵	ابلاغ به زندانی
۲۵ تا ۱۶	ابلاغ به خواننده مقیم خارجه
۲۷-۲۶	ابلاغ به نمایندگان سیاسی خارجی مقیم ایران
۲۸	ابلاغ به خواننده مقیم در مقر دادگاه دیگر
۲۹	ابلاغ به وسیله نامه سفارشی
۳۰-۹	ابلاغ به خویشاوند
۳۱	ابلاغ به خادمان
۳۲	ابلاغ به قسیم (و ناظر استصوابی)
۳۴-۳۳	ابلاغ به نمایندگان متعدد:
۳۳	ابلاغ به متولیان یک موقوفه
۳۴	ابلاغ به وکلاء یک مدعی علیه
۴۲-۳۵	ابلاغ به وکیل:

ابلاغ / ۴۷

۳۷-۳۶-۳۵	ابلاغ دادنامه به وکیل
۳۸	ابلاغ دادنامه و اوراق دعوی به وکیل پس از عزل
۳۹	ابلاغ دادنامه پس از استعفاء وکیل به او
۴۰	ابلاغ اوراق دعوی به وکیل پس از فوت یا استعفاء یا عزل یا منع و تعلیق و توقیف
۴۱	ابلاغ اوراق دعوی به وکیل
۴۲-۴۱	ابلاغ به موکل با داشتن وکیل
۴۳	ابلاغ به موکل

۶۴ تا ۴۴	ابلاغ اوراق دعوی:
۶۹	ابلاغ اوراق غیرفارسی
۴۴	مدت ابلاغ دادخواست
۶۳ تا ۴۵	طرز ابلاغ اوراق دعوی به خواننده
۵۲	ابلاغ به مسکن و اداره محل کار خواننده
۶۴	ابطال ابلاغ مخالف قانون
۶۲	ابلاغ ماده ۱۰۰
۶۵	ابلاغ به مدعی
۶۹-۶۸-۶۷-۶۶	ابلاغ دادنامه
۷۰	ابلاغ احضاریه
۷۱	ابلاغ اظهارنامه
۷۴-۷۳-۷۲	ابلاغ و اخواست
۷۷-۷۶-۷۵	ابلاغ در داوری
۷۸	ابلاغ در امور حسبی
۸۰-۷۹	مأمور ابلاغ
۸۱	ابلاغات اجرایی

ابلاغ

اقسام ابلاغ

۱. ابلاغ که برابر تشریفات قانون واقع شود دو قسم است:
الف- ابلاغ واقعی- و آن ابلاغ به شخصی است که غایت ابلاغ، اطلاع یافتن او است مانند ابلاغ واقعی به شخص محکوم علیه یا وکیل او در مورد ماده ۱۷۵ دادرسی مدنی.
۲. به موجب حکم تمیزی شماره ۱۱۳۶ مورخ ۲۹-۵-۳۱۸ شعبه سوم با وجود ابلاغ به شخص طرف دعوی، او حق دارد که ادعاء کند که ابلاغ واقعی به او نشده است و این ادعاء را به ثبوت برساند ولی مادام که ادعاء خود را به ثبوت نرسانده است فرض بر تحقق ابلاغ واقعی است.
۳. ب- ابلاغ قانونی- این اصطلاح در صورتی که در مقابل ابلاغ واقعی استعمال می شود به این معنی است که به شخص هدف ابلاغ یا وکیل او ابلاغ نشده است یعنی به اطلاع او نرسیده است.
۴. به موجب حکم شماره ۳۲-۷ مورخ ۲۲-۷-۲۰ دادگاه عالی انتظامی: «در مواردی که تحقق ابلاغ قانونی در معرض انکار قرار گیرد دادگاه باید به دلایل و شواهد مثبتة ابلاغ، اعتماد نماید؛ بنابراین در موقعی که اهلیت واسطه ابلاغ، انکار شود صرف این که دلیلی بر عدم اهلیت نیست با وجود این که مدعی عدم اهلیت واسطه ابلاغ، برای کشف حقیقت، استناد به قراین و شواهد می نماید و درخواست رسیدگی به آنها را می کند (مانند احضار شخص واسطه ابلاغ به دادگاه و احضار گواهانی که بر عدم اهلیت او گواهی می دهند) کافی برای جزم به تحقق ابلاغ نیست و دادگاه باید به دعوی عدم اهلیت واسطه ابلاغ و مستندات او رسیدگی نماید.» از

شماره ۲-۴ معلوم می‌شود که دلالت اوراق متضمن ابلاغ بر وقوع ابلاغ به صورت اماره قانونی نسبی است که تا خلافش اثبات نشده معتبر است.

۵. ابلاغ قانونی به معنی اعم شامل هر دو نوع ابلاغ مذکور (شماره ۱-۳) می‌باشد چنان‌که این معنی در ماده ۱۷۵ دادرسی مدنی دیده می‌شود.

۶. از خواص ابلاغ واقعی این است که اگر ابلاغ واقعی در خارج از اقامتگاه مدعی یا مدعی علیه به آنان صورت گیرد کفایت می‌کند (مواد ۱۰۹-۱۲۱-۱۱۳ دادرسی مدنی).

۷. ظاهراً از این حیث وکیل در حکم موکل است (مستفاد از روح ماده ۱۷۵ دادرسی مدنی راجع به ابلاغ واقعی حکم غیابی به محکوم علیه و وکیل او).

۸. با این وصف اگر اوراق دعوی در غیر اقامتگاه اصحاب دعوی به آنان عرضه شود و آنها از امضاء و رؤیت امتناع نمایند و مأمور ابلاغ، امتناع آنها را تصدیق کند این ابلاغ درست نیست و مشمول مواد ۱۰۹-۱۲۱ دادرسی مدنی نمی‌باشد (حکم تمیزی شماره ۱۴۱۳ مورخ ۳-۸-۳۲۸ شعبه سه).

۹. به موجب حکم تمیزی شماره ۱۶۸۴ مورخ ۳-۱۰-۳۲۵ شعبه هشت «ابلاغ به بستگان و خادمان فقط در محل سکونت آنان درست است نه در غیر محل سکونت» بنابراین ابلاغ واقعی به آنان در غیر اقامتگاه آنها کفایت نمی‌کند.

۱۰. ج- ابلاغ به شرکت- ابلاغ به شرکت باید به مدیر شرکت یا اشخاص دیگر که از طرف شرکت حق امضاء دارند صورت گیرد (ماده ۱۰۲ دادرسی مدنی). پاره‌ای از محاکم این ماده را مانع از این نمی‌بینند که ماده ۹۱ دادرسی مدنی هم در مورد شرکت‌ها اعمال شود یعنی مثلاً به مستخدم یا انباردار یا اعضای شرکت ابلاغ شود. قبول این نظر خالی از دشواری نیست و پاره‌ای از مواد قانونی خلاف آن را اثبات می‌کند (بنگرید: ثبت شرکت‌ها- شماره ۳۳) و تبصره یک ماده ۱۱ نظامنامه اجرای ثبت سال ۱۳۲۲.

هرگاه مدیر شرکت استعفاء کند یا سمت او به جهت انقضاء دوره مدیریت از بین برود و دارنده حق امضاء هم وجود نداشته باشد و شرکت هم منحل نشده باشد تا به مدیر تصفیه که قائم مقام قانونی شرکت است ابلاغ شود همان مدیر مکلف به رؤیت اوراق دعوی (و اوراق اجرایی ثبت اسناد) می‌باشد مستفاد از ملاک مواد

۲۰۳-۲۱۳ قانون تجارت که مدیر را پس از انحلال شرکت موظف به تصدی امر تصفیه کرده است و تصفیه به اقتضای مواد ۲۰۷-۲۰۸-۲۰۹ همان قانون مستلزم یک رشته اعمال است که از جمله آنها رؤیت اوراق دعوی و اجرایی و اظهاریه است وقتی که با انحلال شرکت که ملازمه با زوال مدیریت دارد مدیر شرکت چنان صلاحیتی را دارد با بقاء شرکت و زوال مدیریت به طریق اولی آن صلاحیت را دارد.

۱۱. د- ابلاغ در دعوی راجع به ورشکسته - برابر ماده ۱۰۲ دادرسی مدنی در نقاطی که اداره تصفیه نباشد باید یک نسخه از اوراق دعوی توسط کارمند ناظر به مدیر تصفیه و نسخه دیگر به شخص ورشکسته ابلاغ شود. در این صورت کارمند ناظر باید قبل از مدیر تصفیه از اوراق دعوی مطلع شود (حکم تمیزی شماره ۱۱۹۵ مورخ ۳۱-۴-۳۲۰ شعبه چهار).

۱۲. ه- ابلاغ در صورت غیرمحصور بودن یک طرف دعوی - برابر ماده ۱۰۳ دادرسی مدنی اگر خوانده اهالی محل معینی باشند که تعداد آنها محصور نیست نسخه ای از دادخواست به شخص یا اشخاصی که مدعی آنها را فعلاً معارض خود معرفی می کند ابلاغ می شود و نسخه دیگر به کدخدا یا شهرداری محل تسلیم می شود و نسخه ثالث در جایگاه عمومی محل به دیوار الصاق می شود و نیز مفاد دادخواست و پیوست ها برابر ماده ۱۰۴ دادرسی مدنی در روزنامه رسمی و یک روزنامه پر انتشار به تعیین وزارت دادگستری سه دفعه متوالی آگهی می شود (ماده ۱۱۹ دادرسی مدنی).

۱۳. هرگاه شرکای ملک یا قنات یا مجرای آب یا حقابه رودخانه یا سایر حقوق راجع به اموال غیرمنقول بیشتر از پانزده نفر باشند و طرف دعوی واقع شوند به تقاضای مدعی به دو نفر از شرکاء که سهام زیادی دارند ابلاغ می شود و نیز مفاد دادخواست و ضمائم آن به ترتیب بالا (شماره ۱۲) آگهی می شود (ماده ۱۱۹ دادرسی مدنی).

۱۴. و- ابلاغ به ادارات رسمی و بنگاه های عمومی - برابر ماده ۱۰۱ دادرسی مدنی باید به رئیس یا قائم مقام رئیس آن اداره یا بنگاه ابلاغ شود. ابلاغ به سایر کارمندان و یا اداره حقوقی آن اداره صحیح نیست مگر این که رئیس اداره یکی از اعضاء را مجاز در رؤیت اخطاریه و مرجع ابلاغ اوراق دعوی قرار داده باشد زیرا

حکم قانونی ماده ۱۰۱ قائم به شخص نبوده و قابل تفویض از طریق استنابه است. در حال حاضر ابلاغ به رئیس دفتر عرف مسلمی است و صحت چنین ابلاغی خالی از قوت نیست.

۱۵. ز- ابلاغ به زندانی - هرگاه خواننده در توقیفگاه یا زندانی باشد اوراق دعوی در همان محل به او ابلاغ می شود (ماده ۱۰۵ دادرسی مدنی).

۱۶. ح- هرگاه خواننده در خارجه باشد اوراق دعوی از طریق اداره حقوقی وزارت دادگستری و به وسیله وزارت امور خارجه ابلاغ می شود (ماده ۱۰۵ دادرسی مدنی) نظر محاکم در این مورد این است که دادگاه تکلیف ندارد که اوراق دعوی را به زبان رسمی کشوری که خواننده در آن جا سکونت دارد ترجمه کند ولی در عمل اوراق دعوی که از طریق مزبور برای ابلاغ به خواننده فرستاده می شود بدون ابلاغ برگردانده می شود زیرا دادگستری محلی که ابلاغ باید در آن جا صورت گیرد بدون ترجمه به زبان محل خود حاضر به ابلاغ نیست و به این ترتیب ماهها جریان دعوی متوقف می ماند تا این که ذینفع ارتجالا (بدون اخطار رفع نقص از طرف دادگاه، زیرا دادگاهها مورد را از موارد اخطار رفع نقص نمی دانند) به هزینه خود اقدام به ترجمه نماید.

در بخشنامه شماره ۳۵۷۵۴ مورخ ۱۲/۱/۲۴ دستور داده شد که اوراقی که برای ابلاغ به ایرانیان مقیم خارجه به کابینه وزارتت فرستاده می شود باید خوانا و آدرس اشخاص درست و با مشخصات کامل و با حروف لاتین باشد تا در ابلاغ به اشخاص اشکالی به وجود نیاید و کارکنان دفاتر اگر تخلف کنند مسئولند.

۱۷. در عمل برای رفع اشکال گاهی خود اداره حقوقی (در دعاوی مدنی) در صورتی که طرف ابلاغ از اتباع ایران باشد در برگ اخطاریه اسم و آدرس خواننده را ترجمه به زبان محل ابلاغ می کند و در صورتی که طرف ابلاغ از اتباع بیگانه باشد علاوه بر اسم و آدرس او دادگاه صادرکننده اخطاریه و رسیدگی کننده به دعوی و روز جلسه را به زبان محل ابلاغ ترجمه می کند و باقی اوراق دعوی همچنان به زبان فارسی ارسال می شود و به این ترتیب رفع اشکال می کنند ولی این رسم کلی نیست و همیشه به این ترتیب عمل نمی شود.

۱۸. اوراق دعوی که از طرف محاکم خارجی برای ابلاغ به کسانی که ساکن ایران هستند (ایرانی باشند یا خارجی) به زبان فارسی ترجمه نمی شود و همین امر با

توجه به اصل معامله متقابل (در روابط دول) عمل دادگاه‌های ما را تأیید می‌کند.
۱۹. ماده ۹۵ دادرسی مدنی مقرر می‌دارد: «اگر ابلاغ دادخواست در کشور بیگانه باید بشود و مدعی علیه یا اشخاص مذکور در ماده ۹۱ از گرفتن برگ‌ها استنکاف کنند گواهی مأمور سیاسی یا کنسولی دایر به استنکاف مدعی علیه یا اشخاص مزبور از گرفتن برگ‌ها برای احراز ابلاغ کافی است و تاریخ استنکاف از قبول برگ‌ها تاریخ ابلاغ است.» وجود این ماده عمل دادگاه‌ها را تأیید می‌کند زیرا آن مقدار از ترجمه از قبیل ترجمه اسم و آدرس و دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوی و روز جلسه که در بالا گفته شد باید به اقتضاء ماده ۹۵ توسط مأمور سیاسی یا کنسولی به عمل آید ولو این که ابلاغ به وسیله مقام صلاحیت‌دار کشور مورد تقاضا و مطاق قوانین آن کشور صورت گیرد زیرا این امر مانع انجام وظیفه مأمور سیاسی یا کنسولی بر طبق ماده ۹۵ نمی‌باشد چه در غیر این صورت برای اعمال ماده ۹۵ موضوعی باقی نخواهد ماند و سوق امر به طرفی که عملاً مستلزم نسخ ماده‌ای از مواد قانونی بدون دلیل مقنع باشد بیوجه است.

۲۰. با تمام توضیحات و مدارک بالا می‌توان عکس نظر مزبور را به دلایل ذیل اثبات کرد:

اولاً- از حیث اسم و آدرس خواننده مقیم خارجه در خود دادخواست باید علاوه بر ذکر اسم و آدرس به فارسی (به استناد ماده ۷۱ دادرسی مدنی) ترجمه آن به زبان محل ابلاغ اوراق دعوی نیز قید شود زیرا برابر بند دوم ماده ۷۲ دادرسی تعیین نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و شغل خواننده بردهنده دادخواست لازم است بدیهی است که در عرف و عادت ارسال مکاتبات و مراسلات به خارجه برای وصول نامه به مقصد، زبان محل مقصد حتماً به کار می‌رود و اگر زبان دیگری به کار رود این عمل را عرفاً تعیین آدرس مرسل الیه تلقی نمی‌کنند بنابراین اگر نکته بالا در دادخواست رعایت نشود، در حقیقت، مدعی به تکلیف مذکور در بند دوم ماده ۷۲ عمل نکرده و برابر مواد ۸۴-۸۵ باید اخطار رفع نقص شود.

۲۱. ثانیاً- از حیث ذکر دادگاه رسیدگی‌کننده و روز جلسه (در اخطاریه‌ای که برای اتباع بیگانه مقیم خارجه فرستاده می‌شود) نیز عرف مزبور همین اقتضاء را دارد زیرا غرض از ارسال این اخطاریه‌ها استحضار طرف از دعوی و دادگاه رسیدگی‌کننده و روز